



فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ». «فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که الله فتح و پیروزی را به دست او رقم خواهد زد، الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش او را دوست دارند». گفت: مردم شب را درحالی سپری کردند که به یکدیگر می گفتند: کدامیک از آنها پرچم را دریافت خواهد کرد. وقت صبح شد، مردم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و هریکی از آنها امید داشت پرچم به او واگذار شود، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَيْنَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟» «علی بن ابی طالب کجاست؟» گفته شد: چشمش درد می کند. فرمود: «به دنبال او بفرستید». پس علی رضی الله عنه را آوردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است، آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد و فرمود: «بدون عجله به سوی آنها برو تا به منطقه ی آنها بررسی؛ آنگاه آنان را به سوی اسلام فراخوان، و آنان را از حقوق الله متعال که در دین بر آنها واجب می شود، آگاه کن. به الله سوگند که اگر الله یک نفر را به وسیله ی تو هدایت نماید، برای تو از شتران سرخ مو بهتر است

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز خیر فرمودند: «لَأَعْطِينَ هَذِهِ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَبُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»، قَالَ: قَبَاتِ النَّاسِ يَدُوكُونَ لَيْلَتَهُمْ أَيُّهُمْ يُعْطَاهَا، فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ عَدَوْا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّهُمْ يَرْجُونَ أَنْ يُعْطَاهَا، فَقَالَ: «أَيْنَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟» فَقِيلَ: هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ، قَالَ: «فَارْسِلُوا إِلَيْهِ»، فَأَتِي بِهِ فَبَصَّقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي عَيْنَيْهِ وَدَعَا لَهُ، فَبَرَأَ حَتَّى كَانُوا لَمْ يَكُنْ بِهِ وَجَعٌ، فَأَعْطَاهُ الرَّايَةَ، فَقَالَ عَلِيٌّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقَاتِلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِنِّيْنَا؟ فَقَالَ: «انْفُذْ عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَحِبُّ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِيهِ، فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ

لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ». «فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که الله فتح و پیروزی را به دست او رقم خواهد زد، الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش او را دوست دارند». گفت: مردم شب را درحالی سپری کردند که به یکدیگر می گفتند: کدامیک از آنها پرچم را دریافت خواهد کرد. وقت صبح شد، مردم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و هریکی از آنها امید داشت پرچم به او واگذار شود، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَيُّنَ عَلِيٍّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ؟»: «علی بن ابی طالب کجاست؟» گفته شد: چشمش درد می کند. فرمود: «به دنبال او بفرستید». پس علی رضی الله عنه را آوردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است، آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد و فرمود: «بدون عجله به سوی آنها برو تا به منطقه ی آنها برسی؛ آنگاه آنان را به سوی اسلام فراخوان، و آنان را از حقوق الله متعال که در دین بر آنها واجب می شود، آگاه کن. به الله سوگند که اگر الله یک نفر را به وسیله ی تو هدایت نماید، برای تو از «شتران سرخ مو بهتر است».

[صحیح] [متفق علیه]

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم صحابه را به پیروزی مسلمانان بر یهودیان خیبر در فردای آن روز و به دست مردی از آنها بشارت می دهد که پرچم برایش داده می شود، و آن پرچمی است که ارتش از آن به عنوان نشان خود استفاده می کنند، از خصوصیات این مرد این است که الله و رسولش را دوست دارد، و الله و رسولش او را دوست دارند، پس صحابه شب را به بحث و گفتگو پرداختند که پرچم به چه کسی داده خواهد شد؟ با آرزوی این افتخار بزرگ، چون صبح شد، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتند، همه به امید اینکه این افتخار نصیب اش شود، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم جوپای علی رضی الله عنه شد؟ گفته شد: او بیمار است و چشمش درد می کند. پس او صلی الله علیه وسلم مردم را به دنبال او فرستاد و او را آوردند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد، و به او دستور داد تا به آرامی پیش برود تا به دژ (قلعه) دشمن نزدیک شود و به آنها داخل شدن در اسلام را پیشنهاد کند، اگر پیشنهاد را پذیرفتند؛ برای آنان از فرائض که باید انجام دهند خبر بده. سپس او صلی الله علیه وسلم فضیلت دعوت الی الله را برای علی رضی الله عنه توضیح داد، این که اگر دعوت کننده سبب هدایت یک نفر شود، او برایش بهتر از داشتن شتران سرخ است که گرانبهاترین دارایی عرب ها می باشد، که آن را یا با خود داشته باشد و یا آن را صدقه داده باشد.

<https://sunnah.global/hadeeth/prs/show/3409>

النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

